

## از مرزهای شرقی تا مرکز اورارتو: ملاحظات در مورد حلقه‌های فلزی کتیبه‌دار به دست آمده از انزاف علیا، ترکیه

روبرتو دان<sup>۱</sup>، اننا ریتا اس. بونفانتی<sup>۱</sup>، محمد کشاورز دیوکلابی<sup>۱</sup>

۱. عضو انجمن بین‌المللی ایزمتو، رم، ایتالیا.

کلیدواژگان:

انزاف علیا

دست‌بندهای برنزی

ایبگرافی ثانویه

نهمشته نذری معبد

اموشا (ارمنستان جنوبی)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۹/۳۰

© ۲۰۲۴/۱۴۰۳ نویسنده(گان). این مقاله یک اثر دسترسی آزاد است که تحت مجوز CC BY 4.0 منتشر شده است. استناد و انتشار مجدد این اثر با ذکر منبع درست مجاز است.

**چکیده:** در این مقاله به گروهی کوچک از دست‌بندهای برنزی (حلقه‌های باز) که در ورودی فضای معبد یوکاری انزاف (انزاف علیا) (CTU B 4-1A-D؛ B 4-2؛ B 4-3a-c) که در کشور ترکیه به دست آمده و با توجه به منابع باقی مانده از نگارش‌های کوتاه دوران اورارتو خطاب به خالدی کنده‌کاری شده، به بررسی این آثار پرداخته می‌شود که بر مبنای اصول اندازه‌گیری دقیق، مشاهدات فنی شیارها و مقایسه دانش قرائت کتیبه در کتیبه‌های، ثانوی هستند و بر ساخته‌های غیر اورارتویی افزوده شده‌اند. این امر در عمق ناپیوسته خطوط، باز حکاکی‌های قلم بورین و فشرده‌گی‌ها در محل اتصال نمایان است. در مقابل، آرایه آغازین با نقش شورون (استخوان ماهی) در دو سر، بخشی از طرح نخستین دست‌بند بوده است. ساختار دست‌بند و سری بودن قالب نوشتار نشان دهنده کارکرد نذری است. اشیایی که احتمالاً از راه یورش به دست آمده‌اند با فرمول شاهانه کتیبه دار شده و به عنوان نذر در محوطه معبد نهاده شده‌اند. هم‌سنجی‌ها از گغارکونیک (Gegharkunik) و گیلان (مارلیک) این نمونه‌ها را در سنت گسترده‌تر قفقازی-کاسپی دست‌بندهای باز با تزئینات هندسی انتهایی جای می‌دهد. در انتها ذکر جای‌نام اموشا (Amuša) بر «آرگیشتی» (Argišti)، پدر روسا (Rusa) از تانهاات (Tanahat)، از جانمایی محتمل در جنوب ارمنستان باستانی پشتیبانی می‌کند، مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ نتیجه‌ای که با جهت‌های گسترش اورارتویی در امتداد بالادست رود ارس سازگار است.

<https://doi.org/10.22034/hsaj.2026.561676.1029>

### ۱. مقدمه

این نوشتار در مورد گروهی کوچک اما همگن از دست‌بندهای برنزی (حلقه‌های باز) است که در ورودی فضای معبد انزاف علیا (یوکاری انزاف) به دست آمده و سپس با وقف نوشته‌های کوتاه اورارتویی به نام ایشپوینی، مینوآ و اینوشپوا (Išpuini, Mīnuā e Inušpua) خطاب این اشیا که به خدای خالدی کنده‌کاری شده‌اند، یک نگارش اصلی اورارتویی نیستند و در دو سر خود آرایه‌ای اولیه با نقش استخوان ماهی دارند (Dinçol & Dinçol, 1995: B 4-3A-C؛ B 4-2؛ CTU B 4-1A-D). کتیبه‌ها ثانویه هستند و بر ساخته‌هایی از پیش تکمیل شده افزوده شده‌اند. این رسم (فرم و ساختار) در نقطه تلاقی تاریخ پرستش سلطنتی اورارتویی، استفاده مجدد از غنایم و رواج زیورآلات فلزی در قفقاز جنوبی و منطقه خزر قرار دارد. هدف این مقاله به دو بخش تقسیم می‌شود؛ از یک سو، روشن کننده این است که این آثار فلزی چه هستند و چگونه در بافت اورارتویی عمل می‌کنند و آنها را نه به عنوان "حلقه‌های کتیبه دار" که به صورت موردی تولید شده‌اند، بلکه به عنوان دست‌بندهای از پیش موجود که از طریق حکاکی و نذر در فضای معبد دوباره مورد استفاده قرار گرفته‌اند، طبقه‌بندی می‌کند. از سوی دیگر، آنچه را که آنها در مورد پویایی سیاسی و سرزمینی به ما می‌گویند، ارزیابی می‌نماید: فرمول تقدیمی از اموشا نام می‌برد، نامی که در همگرایی با سنگ‌نبشته اورارتویی متأخر آرگیشتی، پدر روسا، از تانهاات در منطقه سیونیک، به مکانی در جنوب ارمنستان اشاره دارد (Dan, 2020: 128). مقایسه با مواد گیلان (مارلیک) و گغارکونیک (نرکین گتاشن) نشان می‌دهد که شکل دست‌بند باز با تزئینات هندسی، با سنت قفقازی-کاسپی بین اواخر عصر مفرغ و اوایل عصر آهن مطابقت دارد، که مخزن موادی را فراهم کرده که کتیبه‌نگاری اورارتویی بر روی آن مداخله می‌کند. از دیدگاه روش‌شناختی، ما اصطلاح دست‌بندها (حلقه‌های باز) را برای طبقه‌بندی مواد اتخاذ می‌کنیم. این تجزیه و تحلیل شامل موارد زیر است: (۱) بررسی متریک و جدول‌بندی اندازه‌گیری‌ها (قطر، نوار، ضخامت)؛ (۲) مشاهدات فنی روی شیارها (عمق، فرورفتگی‌های حفاری، فشرده‌گی‌ها در محل اتصال) برای نشان دادن ماهیت ثانویه نوشته؛ (۳) خوانش دیرینه‌شناسی و مقایسه بین نمونه‌ها؛ (۴) زمینه کشف و تشابهات فرمانطقه‌ای. در این مقاله سه نتیجه اصلی را پیش‌بینی می‌کنیم: (۱) نشان دادن

یورش‌های زنجیره‌ای عملیاتی، کتیبه، قرارگیری در معبد؛ (۲) قرار دادن دست‌بند‌های انزاف در یک شبکه قفقازی-کاسپی از اشکال و نقوش؛ (۳) استدلال و دقیق بودن محل احتمالی آموشا در جنوب ارمنستان، مطابق با خطوط گسترش اورارتویی به سمت ارس علیا است.

## ۲. محوطه انزاف علیا و کتیبه‌های یافت شده

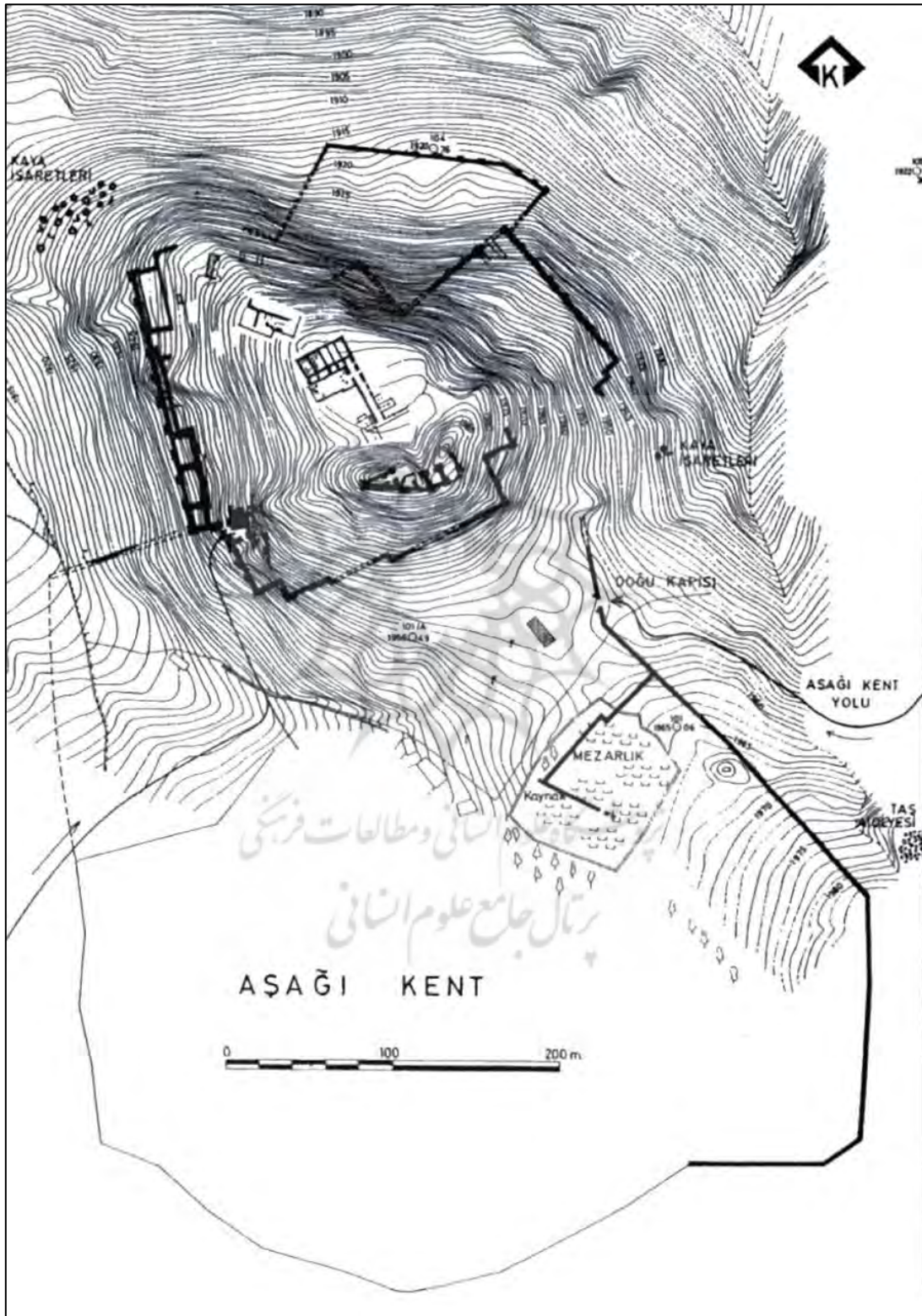
معبد انزاف علیا (یوکاری آنزاف) بر روی تپه‌ای مرتفع در دره آنزاف، حدود ۱۲ کیلومتری شمال شرقی وان، در موقعیتی استراتژیک در امتداد مسیرهای ارتباطی که از بخش شمالی دریاچه عبور می‌کنند، قرار دارد (شکل ۱) (Belli, 1992a; 1992b; 1993a; 1993b; 1994; 1995; 1996; 1998a; see Belli, 1992a; 1992b; 1993a; 1993b; 1994; 1995; 1996; 1998a; (شکل ۱) (Belli, 1992a; 1992b; 1993a; 1993b; 1994; 1995; 1996; 1998a; 1998b; 1999a: 16-28; 2000; 2001; 2002; 2003; 2004; 2005; 2006; 2007; 2008; Belli & Ceylan, 2004; Dan, forthcoming). تپه‌ای که این قلعه بر روی آن ساخته شده حدوداً ۱۹۹۵ متر از سطح دریا ارتفاع دارد و از آنجا می‌توان بخش‌های وسیعی از قلمرو اطراف، از جمله گذرگاه‌های طبیعی به سمت شرق و شمال شرقی را کنترل کرد (Belli, 1999a). این مجموعه، با شکلی نامنظم اما با دقت با زمین تطبیق داده شده است و مساحتی تقریباً ۶۰۰۰۰ متر مربع را اشغال می‌کند که به یک ارگ بالایی و یک شهر پایینی مستحکم تقسیم شده است. استحکامات با دیوارهای دو جداره از بلوک‌های سنگ محلی ساخته شده‌اند که از داخل با قلوه سنگ و خاک پر شده‌اند، و از تکنیکی پیروی می‌کنند که در سایر ابنیه اورارتویی در وان به خوبی قابل رویت است. در بالای نقش برجسته سوسی (Susi)، برج-معبدی که به خدای خالدی اختصاص داده شده بود، قرار داشت که از دو کتیبه پایه از مینوآ (CTU A 5-42; A 5-43) شناخته می‌شود، که ساخت پناهگاه و دیوارهای قلعه را ثابت می‌کنند. این بنای مقدس که از بلوک‌های مربعی شکل سنگ توف و بازالت ساخته شده است، دارای طرحی یک بخشی با یک هشتی و اتاق‌های خدمات جانبی که در یک ایوان مصنوعی بزرگ احاطه شده توسط حیاط‌ها و سازه‌های فرعی که برای مراسم تشریفاتی در نظر گرفته شده‌اند، قرار دارد. در شمال برج-معبد، ساختمان کاخ قرار دارد که با توالی اتاق‌های انبار، سالن‌های ستون‌دار و راهروهای کشیده مشخص می‌شود. در این قسمت، کتیبه‌های متعددی بر روی سنگ، خاک رس و برنز یافت شده است که فعالیت‌های اداری و مذهبی انجام شده در این مجموعه را مستند می‌کند. در میان این موارد، پایه ستون‌های کتیبه‌دار (CTU A 5-100)، خُمره با علائم ظرفیت و کتیبه‌های اختصاری (CTU B CP An-1-11)، یک لوح خط میخی (CTU B CT An-1) و یک مهر گلی (CTU B CB An-1) و همچنین اشیاء فلزی متعددی که به حاکمان مختلف از جمله ساردوری دوم و شاید حتی به حاکمان بعدی نسبت داده می‌شود، وجود دارد (Belli & Salvini, 2006; Belli et al., 2004; 2009). این یافته‌ها، که با یک مجموعه معماری غنی مرتبط هستند، به ما این امکان را می‌دهند که بدون شواهدی از بازسازی‌های پس از اورارتویی، تداوم استفاده از قلعه را تا زمان ساردوری دوم و شاید پس از آن تا زمان روسا، پسر آرگیشتی، ترسیم کنیم.

در بخش غربی محوطه معبد، حلقه‌های نذری با کتیبه‌های CTU B 4-1A-D، B 4-2 و B 4-3a-b، B 4-3a-b و B 4-CTU B 4-1A-D 2 و B 4-3a-b. این کدها سالوبنی قرار متناسب با موقعیت و ساختار نمونه‌های به دست آمده از آثار باستانی نام‌گذاری شدند) کشف شدند که یکی از جالب‌ترین گروه‌های کتیبه‌ای این محوطه را تشکیل می‌دهند (Dinçol & Dinçol, 1995: 30-36). نمونه‌های مفرغی، با قطر بین ۱۱ تا ۱۲.۵ سانتی‌متر، دارای کتیبه‌های تقریباً یکسانی هستند که به نام‌های ایشپوینی، مینوآ و اینوشپوا نوشته شده و به خدای خالدی تقدیم شده‌اند که به فتح سرزمین آموشا اشاره دارد. حلقه‌های B 4-1A-D در نزدیکی ورودی محوطه معبد، در غرب برج معبد یافت شدند. قطعات B 4-2 از همان نقطه می‌آیند؛ در حالی که دو قطعه B 4-3a-b، با آثار جزئی از علائم خط میخی، در همان نقطه یافت شدند که یک نهشته نذری منسجم را ترسیم می‌کنند (Belli, 1992b: 19-21). شکل‌های ۹-۱۹؛ Belli, 1993a: 14-17. شکل‌های ۸-۱۱). مجموعه این یافته‌های کتیبه‌ای، که بین منطقه معبد و کاخ توزیع شده‌اند، دوگانگی عملکردی آشکاری را بین مراسم آیین و اداره نشان می‌دهد. علاوه بر این، وجود اشیاء فلزی کتیبه‌دار، که گاهی منشأ غیراورارتویی دارند و شاید از طریق غارت یا به عنوان غنایم جنگی به دست آمده و سپس به عنوان تکیه‌گاهی برای نذورات استفاده مجدد شده‌اند، شیوه‌های تصاحب نمادین و ادغام مواد خارجی در سیستم آیین اورارتویی را برجسته می‌کند (Belli et al., 2009: 102-109). این پدیده نه تنها به تعریف انزاف علیا به عنوان یک مرکز مستحکم با اهمیت استراتژیک، بلکه به عنوان مکانی برای مراسم‌های آیینی و ایدئولوژیکی در شکل‌گیری هویت سلطنتی بیا (Bia) نیز کمک می‌کند.

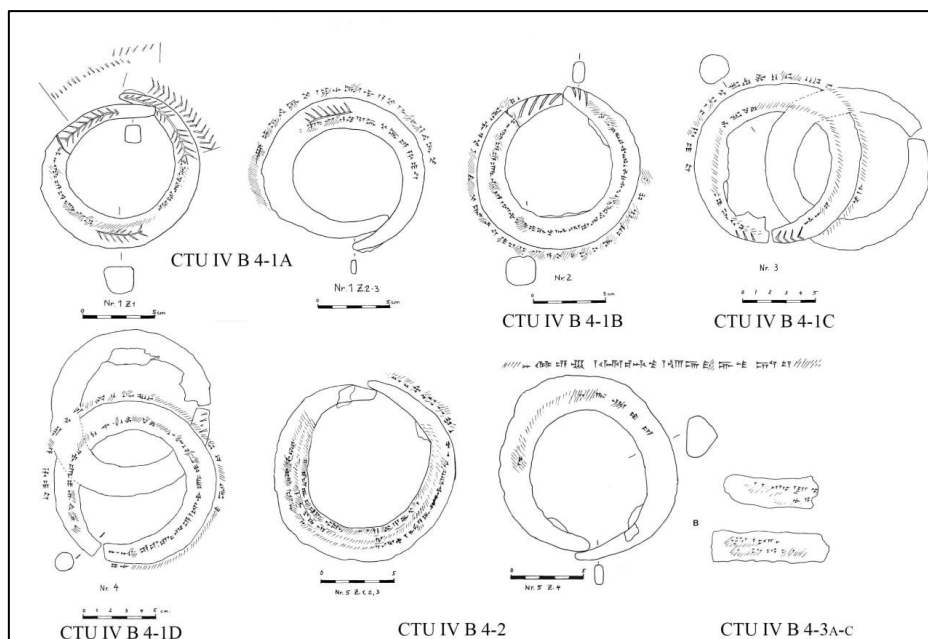
## ۳. دست‌بند‌های انزاف: زمینه، ابعاد و ریخت‌شناسی

دست‌بند‌های کتیبه‌دار انزاف، که در نزدیکی ورودی غربی محوطه معبد یافت شده‌اند (Belli, 1992b: 19-21)، شکل‌های ۹-۱۹؛ Belli, 1993a: 14-17، گروهی را تشکیل می‌دهند که از نظر گونه‌شناسی و متن سازگار اما از نظر حفظ و نگهداری متغیر هستند (شکل ۲ و شکل ۳). کشف دست‌بند‌های نذری با کتیبه‌ها در معبد ساخته شده در دوران سلطنت مینوآ، آنطور که قبلاً ادعا شده است (Dinçol & Dinçol, 1995: 36)، دلیلی بر وجود یک محراب قدیمی‌تر در همان مکان نیست. در عوض، بیشتر محتمل است که این اشیاء آیینی، مشابه حلقه‌های ایشپوینی (CTU B 2-7)، در تاریخی بعدی و به خواست خود مینوآ به انزاف علیا منتقل شده باشند. جابجایی آنها ممکن است با فرآیند سازماندهی مجدد فرقه یا تقدیس مجدد برج معبد جدید (سوسی) مرتبط بوده باشد، جایی که تا زمان تخریب ساختمان در آتش‌سوزی، در آنجا باقی ماندند. همه آنها دست‌بند‌های باز، با انتهای

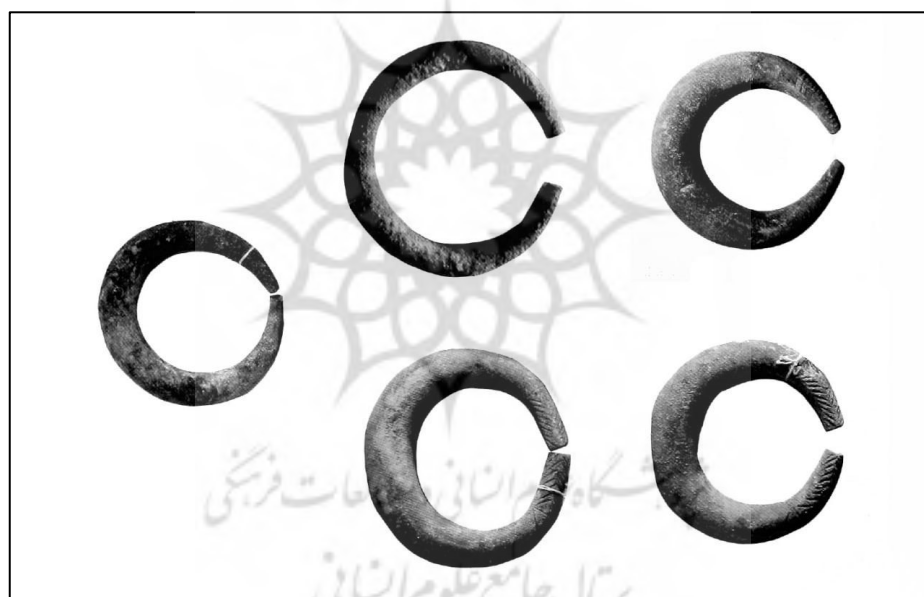
همپوشانی، یک بخش زیر دایره‌ای و تزئینات جناغی اصلی (شورون) در نزدیکی همپوشانی هستند. این تکیه‌گاه‌های تکمیل شده بعداً با فرمول نذری به نام ایشیوینی، مینوا و اینوشپوا در خلدی (با ذکر نام توپونی آموشا) حک شده‌اند. همچنین جناغی به عنوان یک نقش تزئینی برای دستبند در نظر گرفته شده است. گاهی اوقات ابتدای متن، صرفاً برای راحتی فضا، در کنار این نقش قرار می‌گیرد. نوشته ثانویه در تمام نمونه‌ها ویژگی‌های معمول استفاده مجدد را نشان می‌دهد: عمق نامنظم حکاکی، حداقل برش اضافی و تراشه‌های ریز در امتداد شیارهایی که پتینه در آنها حک شده است.



شکل ۱. نقشه محوطه انزاف علیا (Belli, 1999a: fig. 7).



شکل ۲. ترسیم پنج دستبند مورد بحث در متن (برگرفته از مطالعات: Salvin, 2012: 27).



شکل ۳. طرح دستبندها با کپی کتیبه‌ها (Dinçol & Dinçol, 1995: plates 6-10, 15-16).

ویژگی‌های نمونه دست‌بندهای انزاف که مورد بررسی قرار گرفته‌اند به شرح زیر هستند:

**CTU B 4-1A:** ریخت‌شناسی: حلقه تقریباً سالم؛ همپوشانی کوتاه و خوب پرداخت شده؛ نوار خارجی همگن. تزئینات: نوار هاشور خورده کامل در ابتدای متن (۶-۸ شیار)؛ تزئینات اصلی، از ابتدای متن رعایت شده است. کتیبه: مجرای تمیز و پیوسته؛ بدون شکاف؛ حداقل فشردگی در نزدیکی محل اتصال. ابعاد: قطر خارجی ۱۱.۳ سانتی‌متر؛ عرض نوار ۱.۰۵ سانتی‌متر؛ ضخامت مقطع ۰.۴۰ سانتی‌متر؛ طول همپوشانی ۱.۸ سانتی‌متر؛ ارتفاع متوسط علائم ۰.۳۰-۰.۳۵ سانتی‌متر؛ توسعه مفید کتیبه  $\approx 33.5-33.0$  سانتی‌متر. وضعیت نگهداری: بسیار خوب؛ پتینه فشرده؛ سایدگی‌های حاشیه‌ای سبک.

**CTU B 4-1B:** ریخت‌شناسی: دست‌نخورده؛ همپوشانی کمی گسترده‌تر؛ ضخیم شدن جزئی در محل اتصال. تزئینات: هاشور حاشیه‌ای کوتاه‌تر از ۴-۸؛ به عنوان "نشانگر" برای ابتدای کتیبه عمل می‌کند. کتیبه‌نگاری: علائم کمی برش‌دارتر؛ نوسانات هم‌ترازی حداقلی در جایی که لبه ساییده شده است. ابعاد: قطر خارجی ۱۱.۲ سانتی‌متر؛ نوار ۱.۰۰ سانتی‌متر؛ ضخامت ۰.۳۸ سانتی‌متر؛ همپوشانی ۲.۱ سانتی‌متر؛ علائم ۰.۳۰-۰.۳۵ سانتی‌متر؛ توسعه کتیبه‌نگاری  $\approx 33.5-33.0$  سانتی‌متر. وضعیت نگهداری: خوب؛ سایدگی‌های کوچک در نقطه بسته شدن.

**CTU B 4-1C:** ریخت‌شناسی: خراشیدگی جزئی لبه؛ انتهای نازک‌شده؛ نوار منظم روی بخش حفظ‌شده. تزئینات: طرح جناغی/هاشور به سختی قابل مشاهده؛ همچنان عملکرد خود را در تعیین حدود متن حفظ کرده است. کتیبه‌نگاری: وقفه‌های موضعی به دلیل از بین رفتن فلز؛ توالی قابل بازسازی با مقایسه. ابعاد: قطر خارجی ۱۱۶ سانتی‌متر؛ نوار ۱۰۰ سانتی‌متر؛ ضخامت ۰.۳۸ سانتی‌متر؛ همپوشانی  $\approx ۱۰.۷$  سانتی‌متر (جزئی)؛ نشانه‌ها ۰.۳۳-۰.۲۸ سانتی‌متر؛ طول مفید حفظ‌شده  $\approx ۷۰\%$ . وضعیت نگهداری: متوسط؛ خراشیدگی‌های گسترده.

**CTU B 4-1D:** ریخت‌شناسی: حلقه‌ای با شکاف؛ ضایعات در امتداد لبه و در ناحیه همپوشانی؛ نوار کمی نازک‌تر. تزئینات: بقایای هاشور؛ بقایای تزئینات اصلی؛ خطوط. کتیبه: شکاف تخمینی  $\approx ۴$  علامت؛ فاصله بیشتر برای جبران بی‌نظمی لبه. ابعاد: قطر خارجی ۱۱.۵ سانتی‌متر. وضعیت: خوانایی متوسط، اما کافی از خط دست‌نخورده.

**CTU B 4-2:** ریخت‌شناسی: نمونه با قطر بزرگتر؛ نوار به ویژه منظم؛ اتصال دقیق. تزئین: نوار حاشیه‌ای نازک اما پیوسته؛ به وضوح ابتدای کتیبه را قاب می‌کند. کتیبه: مجرای صاف و خوش‌فرم؛ علائم واضح و پهن‌تر؛ مدیریت فضایی بهینه. ابعاد: قطر خارجی ۱۲.۵ سانتی‌متر؛ وضعیت: بسیار خوب؛ پتینه یکنواخت؛ میکروسایس‌های بدون حادثه.

**CTU B 4-3a-c (قطعات):** ریخت‌شناسی: سه قطعه از تیغه خمیده متعلق به یک حلقه دیگر؛ انحنای و ضخامت مطابق با گروه. تزئینات: بقایای هاشور/نقش جناغی روی حاشیه حفظ‌شده، که هنوز به عنوان «قاب» زمینه کتیبه خوانا است. کتیبه: آثار خط میخی کم، اما با همان فرمول نذری (مقایسه دیرینه‌شناسی) سازگار است. ابعاد: شعاع محلی قابل استنباط از قطعات  $\approx ۶.۲-۵.۶$  سانتی‌متر، سازگار با قطر اصلی  $\approx ۱۱.۲-۱۲.۴$  سانتی‌متر؛ قطر دقیق قابل تعیین نیست. وضعیت حفاظت: تکه‌تکه؛ سطوح ساییده شده اما در نور شدید خوانا است.

در تمام نمونه‌ها، هنرمند حکاک به تزئینات اصلی بند به شکل جناغی احترام گذاشته و مستقل از متن باقی می‌ماند؛ کتیبه ثانویه با کمی فشرده‌سازی علائم در نزدیکی محل اتصال و در بخش مقابل انحنای تکیه‌گاه تطبیق می‌یابد و در نتیجه یک چینه‌شناسی فنی-کاربردی (تزئینات اولیه + نوشته‌های افزوده شده) است که وسیلهٔ زینتی شخصی را به عنوان یک پیشکش تبدیل می‌کند. پس از این مشاهدات، رابطه بین بندها و کتیبه روشن می‌شود، و کتیبه به وضوح فرعی است. اول از همه، این نوع حلقه مشخصه فرهنگ اورارتویی نمی‌باشد. علائم خط میخی که در پتینه برش خورده‌اند و عمق ناهموار، فرورفتگی‌های کوچک در محل حفاری و فشرده‌سازی‌های جزئی در نزدیکی همپوشانی علائم معمول حکاکی روی یک شیء تکمیل شده را نشان می‌دهند. با این حال، تزئین جناغی اصلی است و به عنوان یک چارچوب طراحی متقاطع استفاده نمی‌شود، بلکه به سادگی رعایت می‌شود و ابتدای متن برای راحتی فضا در مجاورت قرار می‌گیرد. همگنی قوی شکل و فرم در میان نمونه‌ها، نشان‌دهندهٔ مداخله‌ای متمرکز در طول زمان است، شاید توسط همان هنرمند یا کارگاه مرتبط با محراب، با هدف معنابخشی مجدد به دست‌بندهای از پیش موجود و تبدیل آنها به نذورات سلطنتی صورت گرفته است. به عبارت دیگر، این یک پروژهٔ تزئینی یکپارچه نیست، بلکه یک بازنویسی ایدئولوژیک است. کتیبه‌ی رسمی اورارتویی، شیء را «تصاحب» می‌کند و آن را از ساختار زینتی شخصی به حافظه‌ی فرقه‌ای و مشروعیت سیاسی تبدیل می‌کند.

## الف) انگشتر، دستبند یا «شمش»؟

طبقه‌بندی گونه‌شناختی این مصنوعات نیازمند رویکردی یکپارچه است که فراتر از برداشت رسمی «انگشتر» می‌باشد و پارامترهای متریک، ریخت‌شناسی، عملکردی و زمینه‌ای را در نظر بگیرد. در سطح متریک-ریخت‌شناسی، نمای دایره‌ای باز با انتهای همپوشانی و تزئینات اصلی جناغی در انتها به گروهی شبیه به بازوبند/دستبند برمی‌گردد؛ قطر خارجی ۱۱ تا ۱۲.۵ سانتی‌متر و نوار حدود ۱ سانتی‌متر نشان‌دهنده قطر داخلی سازگار با استفاده روی مچ/ساعد/قسمت پروگزیمال ساعد، به‌ویژه در زمستان یا زمینه‌های لباس پوشیده شده روی آستین یا نوار است. علاوه بر این، شاخص‌های تکنولوژیکی و کاربردی (منظم بودن سطح مقطع، پرداخت لبه، هرگونه تغییر شکل ریز سازگار با سایش) نیز وجود دارند که در صورت وجود، تفسیر «تزئینی بودن» آن را تقویت می‌کنند. دسته «شمش» (مانند برخی از خوانش‌های مارلیک؛ رجوع کنید به: [Negahban, 1996: 312](#); [cfr. Piller 2007](#)) نه به آن شکل، و همچنان به شکل دست‌بند باز باقی می‌ماند، بلکه با نقش اقتصادی-کارکردی متناسب به آن در زمینه‌های خاص (انباشت‌های تدفینی، ذخایر فلزی) تعریف می‌شود. بنابراین، این یک تشخیص کاربردی است و نه یک گونه‌شناسی ریخت‌شناسی؛ برای انزاف، دو عنصر تعیین‌کننده هستند: (۱) تزئین استخوان شاه‌ماهی اولیه است (بخشی از طرح دستبند)، در حالی که کتیبه ثانویه است (بر روی یک شیء تکمیل شده حک گردیده است) و (۲) بقایای باقی مانده معبد و آثار به دست آمده با توالی متنی، نشان‌دهنده یک کارکرد مجدد نذری دست‌بندهای از پیش موجود است، نه تولید حلقه‌های «کتیبه‌نویسی» به معنای دقیق و در این مقاله، از دست‌بندها (حلقه‌های باز) برای طبقه مواد استفاده شده است. دو دست‌بند در هم تنیده به نظر می‌رسند. از آنجایی که آنها دست‌بندهای باز هستند، این پیکربندی را می‌توان در هر مرحله‌ای (جمع‌آوری، رسوب‌گذاری، مستندسازی) به دست آورد. در غیاب نشانه‌های چینه‌شناسی صریح و درهم‌آمیختگی، خوانش عملکردی گروه را تغییر نمی‌دهد.

## ب) کتیبه‌ها

حلقه‌های نذری حکاکی‌شده از یوکاری آنزاف، گروهی همگن از مصنوعات برنزی را تشکیل می‌دهند که در گونه‌شناسی اشیاء مذهبی وقف شده در دوران سلطنت ایشپوینی و مینوآ قرار می‌گیرند. این نمونه‌ها، با قطرهای متفاوت بین ۱۱ تا ۱۲.۵ سانتی‌متر، دارای کتیبه‌های تقریباً یکسانی هستند که به نام‌های ایشپوینی، مینوآ و اینوشپویا نوشته شده‌اند و به خدای خالدی تقدیم شده‌اند (شکل ۴). متن نذری، تقدیم به خدا را به مناسبت فتح کشور آموشا، رویدادی که به گسترش نظامی پادشاهی اورارتویی به سمت شرق نسبت داده می‌شود، یادآوری می‌کند، همانطور که کتیبه اوجاسار-یانارداغ (Ojasar-Handagh) (CTU A 3-8) در منطقه نخجوان نیز آن را تأیید می‌کند. سازماندهی گرافیکی کتیبه‌ها از یک الگوی دایره‌ای در امتداد سطح بیرونی حلقه‌ها پیروی می‌کند که دقیقاً با نیمرخ تکیه‌گاه تطبیق می‌یابد. علیرغم برخی بی‌نظمی‌ها و شکاف‌های ناشی از ساختار یا فرسودگی فلز، کتیبه‌ها تسلط فنی خوبی را در خلق علائم خط میخی و برنامه‌ریزی منسجم فضای نوشتاری نشان می‌دهند.



شکل ۴. دستبندهایی از مارلیک (Negahban, 1996: pl. 139).

مقایسه نمونه‌های مختلف (CTU B 4-1A-D; B 4-2) تغییرات جزئی گرافیکی و آوایی را برجسته می‌کند که یکنواختی قابل توجه متن را به خطر نمی‌اندازد، اما احتمال تولید سریالی توسط یک کارگاه واحد یا گروهی از صنعتگران فعال در ارتباط نزدیک با دربار یا مرکز معبد را نشان می‌دهد. متن کوتاه، که با حداقل تغییرات در تمام حلقه‌ها تکرار شده است، به شرح زیر است:

«به خالدی، فرمانروای آنها، ایشپوینی پسر ساردوری، مینوآ پسر ایشپوینی، و اینوشپویا پسر مینوآ، شهر آموشا را هنگامی که آن سرزمین را فتح کردند، تقدیم کردند.»

فرمول حک شده، که به نام‌های ایشپوینی، مینوآ و اینوشپویا نوشته شده و خطاب به خدای خالدی است، با زبان نذری رسمی پادشاهی مطابقت دارد، اما تکیه‌گاه برنزی منشأیی خارج از کارگاه‌های محلی را نشان می‌دهد. عمل کتیبه‌نویسی بر روی مصنوعات با منشأ خارجی را می‌توان به عنوان یک حرکت نمادین از تصاحب و بازسازی ایدئولوژیک غنایم تفسیر کرد که از طریق آن شیء در چرخه فرقه اورارتویی ادغام شده است. بنابراین، حلقه‌ها نه تنها اهمیت مذهبی، بلکه اهمیت سیاسی نیز پیدا می‌کنند، زیرا منعکس‌کننده نوعی دگرگونی مادی و معنایی «فتح پیروزمندانه» به گواهی بر پیروزی و مشروعیت سلسله‌ای تحت حمایت خدای خالدی هستند.

## ج) ملاحظات در مورد مکان اموشا

نام آموشا، که بر روی حلقه‌های آنزاف علیا (CTU B 4-1A-D) گواهی شده است، جایی که در عبارت «هنگامی که سرزمین شهر آموشا را فتح کردند» آمده است، در جای دیگری منحصراً بر روی سنگ یادبود آرگیشتی، پدر روسا (CTU A 11-3) که به عنوان چلیپا سنگ (*khachkar*) در نزدیکی صومعه قرون وسطایی تاناها، در منطقه سیونیک، مورد استفاده مجدد قرار گرفته، آمده است؛ شرایطی که از موقعیت مرکز در منطقه کوهستانی جنوب ارمنستان پشتیبانی می‌کند (Dan, 2020: 128). متن روی صفحه اصلی سنگ یادبود به شکل چلیپا سنگ در صومعه قرون وسطایی دستخوش تغییراتی از لحاظ ساختاری شده است؛ با این حال، نام آرگیشتی، پدر روسا، قابل خواندن است که صحت انتساب کتیبه را تأیید می‌کند. پشت سنگ یادبود سالم‌تر و کم آسیب‌تر می‌باشد. نگارش مورد بحث با جملات زیر می‌باشد:

«او پیش من آمد [...] پادشاه(؟) اتیوکی، کسی که (یا: می‌گوید [سسیل. آرگیشتی]) [...] آن کشور، کدام روستاها/شهرها به آن گوش فرا دادند... که در جنگ به آن رسیدم(؟) [...] ساختم/ساختم؛ مردان و زنان را تبعید کردم، روستاها را سوزاندم، قلعه‌ها را ویران کردم. ایشیاشیه شوگا از همه جا، در کشور

سولوقو نبرد بود... قبل از شهر ایردوا، او پیش من آمد. دشمن قدرتمندی را که مطیع کردم، در آنجا خراج گذاشتم(؟). به موجب عظمت خالیدی، من (هستم) آرگیشتی، پدر روسا، پادشاه قدرتمند، پادشاه بیابنلی، ارباب شهر توشیا. به دستور خالیدی آرگیشتی می‌گوید: ایسینی از خدای خورشید، یادگان ... من این لشکرکشی نظامی را به سمت شهر آموشا انجام دادم، مردان و زنان را به کشور بیابنلی تبعید کردم. آرگیشتی [می‌گوید]: هر که نام مرا [حذف کند] و نام خود را [به آن اضافه کند]، باشد که خالیدی، خدای طوفان، خدای خورشید، او، نام و نسلش را از زیر (نور) خورشید نابود کند» (CTU A 11-3 Vo).

چهارچوب تاریخی-جغرافیایی ثابت است؛ از همان آغاز گسترش اورارتویی، منطقه بین نخجوان، گغارکونیک و سیونیک در حوزه نفوذ پادشاهی قرار گرفت، همانطور که کتیبه اوچاسار-یانارداغ (Ojasar-Ilandagh) (CTU A 3-8) نشان می‌دهد، که نفوذ اولیه در امتداد کریدور ارس را مستند می‌کند. در همین بخش، سنگ یادبود تاناهاش شواهد کتیبه‌ای داخلی برای نام آموشا ارائه می‌دهد و نیاز به توسل به فرضیه‌های شرقی‌تر یا شمالی‌تر را کاهش می‌دهد. در این شرایط، یادآوری مکان پیشنهادی در آرتساخ/ناگورنو قره‌باغ مفید است (Salvini, 2009: 209-210; 2018: 430)، که پیشنهاد مکانی در جنوب ارمنستان، احتمالاً در یک بافت کوهستانی که مسیرهای ترانزیت محلی را کنترل می‌کرده، تأیید می‌کند (Dan, 2020: 128).

#### د) مقایسه‌هایی از شرق: نمونه‌هایی از گغارکونیک و گیلان در چارچوب ارتباط قفقازی

در گیلان (مارلیک)، در کاوش‌ها باستان‌شناسی مجموعه‌ای از حلقه‌های فلزی باز به دست آمد که در این مقاله به عنوان "شمش‌های برنز" طبقه‌بندی شده‌اند اما از نظر ریخت‌شناسی شبیه دستبند/انگشتر هستند (Negahban, 1996: 312; Piller, 2007: 70): یک بدنه ضخیم در وسط حلقه، انتهای مخروطی و یک تزئین انتهایی حکاکی شده (شفرورن/زیگزاگ/مثلث). زمینه‌ها به خوبی مشخص هستند: دو قطعه (Negahban, 1996: 312, nr. 974) از مقبره ۲۵ و یک نمونه (Negahban, 1996: 312, nr. 975) از مقبره ۳۶ به دست آمده‌اند؛ در حالی که بزرگترین گروه (Negahban, 1996: 312, nr. 976, eight specimens: 417M, 418M, 419M, 420M, 421M, 422M, 423M, 730M, 732M) هنوز تا حد زیادی از مقبره ۳۶ و دو نمونه از مقبره ۴۰ به دست آمده است. ابعاد بین ۸.۳ سانتی‌متر (شماره ۹۷۴) و ۱۶.۵ سانتی‌متر (شماره 419M) متغیر است، با یک نوار مرکزی ضخیم‌تر و نقوش حکاکی شده در دو انتها؛ نمونه‌های شماره 418M، 419M و 421M به وضوح دارای طرح‌های جناغی/مثلثی در هر دو انتها هستند. مقبره ۳۶، کوچک و بسیار غنی (با اشیاء بازی)، توسط کاوشگران به عنوان یک تدفین با جایگاه بالا، شاید یک شاهزاده جوان، تفسیر می‌شود. در اینجا، تمرکز حلقه‌ها/شمش‌ها نشان‌دهنده انباشت عمدی ارزش فلزی است، اگرچه شکل آن کاملاً قابل پوشیدن و قابل مقایسه با نمونه‌های قفقازی است. به عبارت دیگر، مارلیک هم سنت رسمی (دایره باز + تزئینات انتهایی) و هم کاربرد چندمنظوره (تزئینات/ذخیره فلز) را که با بازمعناسازی نذری مشاهده شده در آنزاف سازگار است، مستند می‌کند. در گغارکونیک (Gegharkunik)، گورستان نرکین گتاشن (Nerkin Getashen)، تپه‌ای کوچک با یک کروملچ (Cromlech) (قطر ۴.۸ متر) یک تابوت سنگی شرقی-غربی (حدود ۱.۹ × ۰.۷ × ۱.۵ متر) را با چهار نفر پوشانده بود. در بخش شرقی، زنی ۱۸ تا ۲۵ ساله و کودکی ۱ تا ۱.۵ ساله رو در رو دفن شدند که در آن کودک یک دستبند برنزی دارد. در میان اشیاء قبر، یک کاسه، یک ظرف شیشه‌ای، یک آویز، گوشواره و مهره‌های گردنبندی سنگی (کارنلی) نیز وجود داشت. در بخش غربی، مردی ۴۰ تا ۴۵ ساله و زنی ۶۵ تا ۷۰ ساله با دستبند، گوشواره، آویز همه شواهد به استفاده شخصی از دستبند در طول زندگی و دفن آن به عنوان بخشی از تجهیزات آیین تدفین اشاره دارد که گواهی بر انتشار این نوع در یک بافت خانوادگی بین نسلی است (طرح گونه‌شناختی با تزئین جناغی روی قسمت‌های انتهایی) (Xnkikyan 2002: 74-75, pl. LXVIII). این فرم، به طور واضح «کاربردی» است که تکمیل‌کننده شواهد آثار به دست آمده از مارلیک است؛ جایی که همان مشخصات رسمی می‌تواند بسته به مورد استفاده و کاربری، ارزش زینتی یا «اقتصادی» داشته باشد. به طور کلی، رواج دستبند/انگشتر از این نوع در چارچوب وسیع‌تری از روابط بین جنوب ارمنستان و گیلان قرار می‌گیرد که بین اواخر عصر مفرغ و اوایل عصر آهن فعال بوده است، که در آن قربات‌های تکنولوژیکی (آلیاژها، تکنیک‌های ریخته‌گری و پرداخت)، انتخاب‌های تزئینی (شورون، نقطه‌گذاری) و شیوه‌های تدفین می‌شوند. در این شبکه، از جمله شاخص‌های قابل مشاهده و تکرار شونده، آویزها هستند که به عنوان نشانگرهای حساس اشتراک‌گذاری مدل‌های رسمی و گنجینه‌های نمادین عمل می‌کنند و به طور قیاسی، تحرک و پراکندگی دستبندها/انگشترهای مورد بحث را تأیید می‌کنند (Piller, 2012; Dan et al., 2007).

#### ۴. نتیجه‌گیری

هدف این مقاله، تجزیه و تحلیل گروهی از انگشترها/دستبندهای ساخت غیراورارتویی بود که در نزدیکی قلعه آنزاف علیا یافت شده‌اند. این‌ها دستبندهای باز هستند که تزئینات اصلی استخوان شاه‌ماهی در انتهای آن‌ها وجود دارد و بعداً از طریق حکاکی کتیبه‌های کوتاه دوباره مورد استفاده قرار گرفته‌اند. ماهیت ثانویه متون نوشته شده، که در عمق ناهموار شیارها، برش‌های کوچک حکاکی و فشردگی‌های جزئی نزدیک محل اتصال مشهود است، که نشان‌دهنده تغییر کاربری نذری است. آنچه در ابتدا یک کاربری زینتی شخصی (یا ذخیره ارزش) بوده که به یک نذر عمومی تبدیل شد است. قرار دادن آن‌ها در ورودی معبد خالیدی، این دستبندها را به عنوان یک وسیله واقعی آیینی و سیاسی تثبیت می‌کند. غنایمی که در جنگ به دست آمده، از طریق نوشته‌های سلطنتی تصاحب شده و در فضای مذهبی تقدیس شده‌اند. توالی فرمول، انسجام دیرینه‌شناسی و مدیریت مکرر فضای

نوشتاری، نشان دهنده یک مداخله متمرکز و احتمالاً واحد (همان دست یا کارگاه) است که قادر به همگن‌سازی یک مجموعه ناهمگن از نظر وضعیت حفاظت و جزئیات ساخت و ساز است. از منظر تاریخی - جغرافیایی، داده‌های کلی در نشان دادن اینکه آموشا باید در جنوب ارمنستان قرار داشته باشد، همگرا هستند: وجود همزمان این نام روی حلقه‌های یوکاری آنزاف (CTU B 4-1A-D) و روی سنگ‌نشته اورارتویی متأخر آرگیشتی، پدر روسا از تاناهات، همراه با شواهدی از نفوذ اورارتویی در امتداد ارس علیا، تصویری یکپارچه و قابل قبول را ترسیم می‌کند. در این زمینه، ماهیت غیر اورارتویی دستبندها و استفاده مجدد از کتیبه‌های آنها، عملکرد این گروه را روشن می‌کند. اشیایی که به عنوان غنیمت وارد مدار سلطنتی می‌شدند، سپس از طریق فرمول نذری به نام ایشپوینی، مینوآ و اینوشپوا در خالدی دوباره مورد استفاده قرار می‌گرفتند و در نهایت به عنوان گواهی مادی از فداکاری و مشروعیت قدرت در منطقه معبد سپرده می‌شدند. لایه‌های باستان‌شناسی معبد خالدی نشان می‌دهد که چگونه این عملکرد تغییر کاربری یافته در فضای آیینی رخ داده است و یک کالای منقول، فرسوده یا انباشته شده به عنوان یک دارایی ارزشمند، را به یک نذر نهادی تبدیل کرده است. ماهیت سریالی این عملیات (تکرار فرمول یکسان بر روی نمونه‌های متعدد، ثبات خط‌نگاری، مدیریت مکرر فضای نوشتاری) نشان دهنده یک اقدام متمرکز است که شاید به یک دست یا کارگاه واحد مرتبط با محراب سپرده شده باشد. یک کتیبه که در آن غنیمت به یادبود عمومی فتح و وسیله‌ای برای مشروعیت سلسله تبدیل شده است که مقایسه‌های غربی این تفسیر را تقویت می‌کنند. در گغارکونیک (گورستان نرکین گتاشن)، دستبندها در مصارف شخصی و سپرده‌های تدفینی ظاهر می‌شوند. در گیلان (مارلیک)، حلقه‌های فلزی باز از همان خانواده ریخت‌شناسی می‌توانند در انباشت‌های قبر، حتی با بُعد "اقتصادی و سکه‌ها" ظاهر شوند. این منجر به یک افق رسمی مشترک قفقازی - خزری، دست‌بندهای باز با تزئینات هندسی در بخش انتهایی می‌شود که در آن نمونه‌های آنزاف با یک ویژگی اورارتویی مطابقت دارند و بازمعناسازی کتیبه‌ای و تقدیس معبد انجام می‌شود. در این شبکه گسترده‌تر تبدلات، تکرار آویزهای مشابه از نظر گونه‌شناسی بین جنوب ارمنستان و گیلان به عنوان شاخص قابل مشاهده‌ای از شبکه روابطی عمل می‌کند که زیربنای گردش این دست‌بندها/حلقه‌ها است. به طور خلاصه، مکان احتمالی آموشا در جنوب ارمنستان و مراحل عملیات یورش، کتیبه‌های الحاقی و روی هم قرار گرفتن لایه‌های معبد در راستای نذر، توضیحی جامع برای ماهیت حلقه‌های آنزاف ارائه می‌دهد: اشیاء غیراورارتویی که پس از حکاکی، در آیین‌های سیاسی پادشاهی گنجانده می‌شدند. در آینده با انجام تجزیه و تحلیل‌های متالوگرافی و ایزوتوپی، همراه با بررسی‌های دقیق سه‌بعدی شیارها، منشأ فلزات و توالی نسبی بین پتینه و برش را می‌توان مشخص نمود و میزان ادغام بین مدارهای هنری قفقازی-خزری و حوزه آیینی اورارتویی که از آنها دوباره استفاده می‌کرده است را تأیید کرد.

### مشارکت نویسندگان

این مقاله به طور مشترک توسط نویسندگان ارائه شده است. روبرتو دن مقالات «محوطه آنزاف علیا و مواد کتیبه‌ای یافت شده در آنجا»، «دستبندهای آنزاف: زمینه، ابعاد و مورفولوژی» و «برخی ملاحظات در مورد موقعیت آموشا» را نوشته است؛ بون فنتی و کشاورز دیوکالیی «حلقه‌ها، دستبندها یا شمش‌ها؟» را نوشتند؛ همچنین بون فنتی «کتیبه‌ها» بازخوانی نمود. «مقدمه» و «نتیجه‌گیری» به طور مشترک نوشته شدند.

### تضاد منافع

در این مقاله تضاد منافی وجود ندارد.

### حامیان مادی و معنوی

این مقاله فاقد هرگونه پشتیبان مادی و یا معنوی است.

### دسترسی به داده‌ها

داده‌های خام این پژوهش در اختیار نویسندگان است و با مکاتبات قابل دسترسی است.

### منابع

- Belli, O. (1992a). 1991 Yılı Anzaf Urartu Kaleleri Kazısı. *Kazı Sonuçları Toplantısı*, 14(1), 441–468.
- Belli, O. (1992b). Van-Anzaf Urartu Kaleleri Kazısı – Die Ausgrabungen an der urartäischen Festung Anzaf bei Van. *Arkeoloji ve Sanat*, 54–55, 13–30.
- Belli, O. (1993a). Aşağı ve Yukarı Anzaf Urartu Kaleleri Kazısı, 1991–1992. *Arkeoloji ve Sanat*, 58, 2–32.
- Belli, O. (1993b). Aşağı ve Yukarı Anzaf Kaleleri Kazısı, 1992. *Kazı Sonuçları Toplantısı*, 15(1), 417–444.
- Belli, O. (1994). Aşağı ve Yukarı Anzaf Kaleleri Kazısı, 1993. *Kazı Sonuçları Toplantısı*, 16(1), 287–312.
- Belli, O. (1995). 1994 Yılı Anzaf Urartu Kaleleri Kazısı. *Kazı Sonuçları Toplantısı*, 17(1), 379–508.
- Belli, O. (1996). 1995 Yılı Anzaf Urartu Kaleleri Kazısı. *Kazı Sonuçları Toplantısı*, 18(1), 379–409.
- Belli, O. (1998a). *Anzaf Kaleleri ve Urartu Tanrıları*. İstanbul: Arkeoloji ve Sanat Yayınları.

- Belli, O. (1998b). 1996 Yılı Anzaf Urartu Kaleleri Kazısı. *Kazı Sonuçları Toplantısı*, 19(1), 543–569.
- Belli, O. (1999a). *The Anzaf Fortresses and the Gods of Urartu*. İstanbul: Arkeoloji ve Sanat Yayınları.
- Belli, O. (1999b). 1997 Yılı Anzaf Urartu Kaleleri Kazısı. *Kazı Sonuçları Toplantısı*, 20(1), 507–525.
- Belli, O. (2000). Aşağı ve Yukarı Anzaf Urartu Kaleleri Kazısı / Excavations at the Upper and Lower Anzaf Fortresses. In O. Belli (Ed.), *Türkiye Arkeolojisi ve İstanbul Üniversitesi (1932–2000) / Istanbul University's Contributions to Archaeology in Turkey (1932–2000)* (pp. 165–171, 201–209). İstanbul: İstanbul Üniversitesi.
- Belli, O. (2001). 1999 Yılı Anzaf Kaleleri Kazısı ve Onarım Çalışmaları. *Kazı Sonuçları Toplantısı*, 22(1), 385–398.
- Belli, O. (2002). 2000 Yılı Anzaf Kaleleri Kazısı ve Onarım Çalışmaları. *Kazı Sonuçları Toplantısı*, 23(2), 275–286.
- Belli, O. (2003). Van – Aşağı ve Yukarı Anzaf Urartu Kaleleri Kazısı: Bir Ara Değerlendirme (1991–2002). *Colloquium Anatolicum*, 2, 1–49.
- Belli, O. (2004). 2002 Yılı Aşağı ve Yukarı Anzaf Urartu Kaleleri Kazısı. *Kazı Sonuçları Toplantısı*, 25(2), 29–40.
- Belli, O. (2005). 2003 Yılı Aşağı ve Yukarı Anzaf Urartu Kaleleri Kazısı. *Kazı Sonuçları Toplantısı*, 25(1), 175–188.
- Belli, O. (2006). 2004 Yılı Aşağı ve Yukarı Anzaf Urartu Kaleleri Kazısı. *Kazı Sonuçları Toplantısı*, 27(1), 151–164.
- Belli, O. (2007). 2005 Yılı Yukarı Anzaf Urartu Kalesi Kazısı. *Kazı Sonuçları Toplantısı*, 28(1), 413–428.
- Belli, O. (2008). 2006 Yılı Yukarı Anzaf Urartu Kalesi Kazısı. *Kazı Sonuçları Toplantısı*, 29(1), 171–192.
- Belli, O., & Ceylan, A. (2004). 2002 Yılı Aşağı ve Yukarı Anzaf Urartu Kaleleri Kazısı. *Kazı Sonuçları Toplantısı*, 25(2), 29–41.
- Belli, O., Dinçol, A. M., & Dinçol, B. (2004). Royal inscriptions on bronze artifacts from the Upper Anzaf fortress at Van. *Anatolica*, 30, 1–13. <https://doi.org/10.2143/ANA.30.0.2015516>
- Belli, O., Dinçol, A. M., & Dinçol, B. (2009). Bronze votive rings with Assyrian inscriptions found in the Upper Anzaf fortress in Van. *Colloquium Anatolicum*, 8, 91–124.
- Belli, O., & Salvini, M. (2006/2008). Pithoi with cuneiform and hieroglyphic inscriptions from Upper Anzaf fortress. *Studi Micenei ed Egeo-Anatolici*, 48, 55–72.
- Dan, R. (2020). *A study of the toponyms of the Kingdom of Bia/Urartu* (Serie Orientale Roma n.s. 19). Rome: Scienze e Lettere.
- Dan, R. (forthcoming). *The Urartian palace of Upper Anzaf: An assessment of the archaeological and epigraphical evidences*. *Studia Hethitica, Hurritica et Urartaica*, 2 (Serie Orientale Roma). Rome: Scienze e Lettere.
- Dan, R., Keshavarz Divkolaee, M., & Petrosyan, A. (2017). Through the mountains up to the Caspian Sea: Some remarks on bronze pendants from Gilan region, Iran. *Iranica Antiqua*, 52, 197–204. <https://doi.org/10.2143/IA.52.0.3269018>
- Dinçol, A. M., & Dinçol, B. (1995). Die neuen Inschriften und beschrifteten Bronzefunde aus den Ausgrabungen von den urartäischen Burgen von Anzaf. In T. P. J. van den Hout & J. de Roos (Eds.), *Studio Historiae Ardens: Ancient Near Eastern studies presented to Philo H. J. Houwink ten Cate on the occasion of his 65th birthday* (pp. 23–55). İstanbul: Nederlands Historisch-Archaeologisch Instituut.
- Negahban, E. O. (1996). *Marlik: The complete excavation report*. Philadelphia: University of Pennsylvania Museum of Archaeology and Anthropology.
- Piller, C. K. (2007). Untersuchungen zur relativen Chronologie der Nekropole von Marlik (Unpublished doctoral dissertation). Ludwig Maximilian University of Munich. <https://doi.org/10.5282/edoc.8907>
- Piller, C. K. (2012). The Caucasian connection – Reflections on the transition from the Late Bronze to the Early Iron Age in northern Iran and its connections to the Southern Caucasus. In A. Mehnert, G. Mehnert, & S. Reinhold (Eds.), *Austausch und Kulturkontakt im Südkaukasus und seinen angrenzenden Regionen in der Spätbronze-/Frühisenzeit* (Schriften des Zentrums für Archäologie und Kulturgeschichte des Schwarzmeerraumes 22, pp. 305–317). Langenweißbach: Beier & Beran.
- Salvini, M. (2008). *Corpus dei Testi Urartei I: Le iscrizioni su pietra e roccia: i testi* (Documenta Asiana 8). Rome: CNR – Istituto di Studi sulle Civiltà dell'Egeo e del Vicino Oriente. (Cited as CTU A)
- Salvini, M. (2009). Die Ausdehnung des Reiches Urartu unter Argišti II. (713–ca. 685 v. Chr.). In I. Tatišvili, M. Hvedelidze, & L. Gordeziani (Eds.), *Giorgi Melikishvili memorial volume* (Caucasian and Near Eastern Studies 13, pp. 203–227). Tbilisi: Ena da Kult'ura.
- Salvini, M. (2012). *Corpus dei Testi Urartei IV: Iscrizioni su bronzi, argilla e altri supporti; nuove iscrizioni su pietra; paleografia generale* (Documenta Asiana 8). Rome: CNR – Istituto di Studi sulle Civiltà dell'Egeo e del Vicino Oriente. (Cited as CTU B).
- Salvini, M. (2018). *Corpus dei Testi Urartei V: Revisioni delle epigrafi e nuovi testi su pietra e roccia* (Cited as CTU A); *Dizionario urarteo; Schizzo grammaticale della lingua urartea*. Paris: Association pour la Diffusion de la Pensée Française.
- Xnkikyan, O. S. (2002). *Syunik during the Bronze and Iron Age*. Barrington: Oxbow Books.

دان، روبرتو، بونفانتی، اننا ریتا اس.، کشاورز دیوکالایی، محمد (۱۴۰۳). از مرزهای شرقی تا مرکز اورارتو: ملاحظاتی در مورد حلقه‌های فلزی کتیبه‌دار به دست آمده از انزاف علیا، ترکیه. میراث جنوب غربی آسیا، ۲۱(۲)، ۵. <https://doi.org/10.22034/hsaj.2026.561676.1029>